



## سوء پیشینه به چه معنایی است؟

داشتن حقوق اجتماعی مستلزم این است که هر فردی فاقد سوء پیشینه کیفری باشد و در این باره باید گواهی نداشتن سوء پیشینه ارائه کند. اهمیت نداشتن سوء پیشینه زمانی آشکار می‌شود که بدانیم چرا این امر موجب محرومیت از حقوق اجتماعی بویژه مانع استخدام در ادارات دولتی می‌شود. لیکن باید دید منظور از آن چیست و چه محکومیت‌هایی را در بر می‌گیرد.

داشتن حقوق اجتماعی مستلزم این است که هر فردی فاقد سوء پیشینه کیفری باشد و در این باره باید گواهی نداشتن سوء پیشینه ارائه کند. اهمیت نداشتن سوء پیشینه زمانی آشکار می‌شود که بدانیم چرا این امر موجب محرومیت از حقوق اجتماعی بویژه مانع استخدام در ادارات دولتی می‌شود. لیکن باید دید منظور از آن چیست و چه محکومیت‌هایی را در بر می‌گیرد.

به گزارش «تابناک» آنچه عامه مردم از سوء پیشینه کیفری یا سوء سابقه برداشت دارند با مفهوم قانونی آن متفاوت است. شاید گاهی اوقات در نتیجه ارتکاب جرایم غیر عمدی مانند جرایم ناشی از تخلفات رانندگی و جرایم ناشی از تقصیر کارفرمایان و شاغلان به مشاغل پزشکی و مهندسی، پای برخی افراد به کلانتری باز شود و در مدتی محدود نیز بازداشت شوند، که این نوع بازداشت‌ها و حتی قرارهای تأمینی در دادسرا که منجر به بازداشت موقت می‌شود، مشمول "محکومیت قطعی کیفری" به حساب نمی‌آیند و حتی تحمل هر مجازاتی نیز منجر به سوء سابقه نخواهد شد.

زیرا در حال حاضر به موجب ماده ۴۲۷ آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ آرای دادگاه‌های کیفری (جز در موارد جرایم تعزیری درجه هشت و همچنین جرایم مستلزم پرداخت دیه، در صورتیکه میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد) قطعی محسوب می‌شود و سایر احکام در دادگاه تجدیدنظر استان همان حوزه قضایی قابل تجدیدنظر است. مگر در موارد مجازات‌های اعدام، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه سه و بالاتر و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها نصف دیه کامل یا بیش از آن، که در دیوان عالی کشور قابل فرجام است. بنابراین حکم کیفری زمانی قطعی است که با رعایت مراحل فوق در مهلت قانونی (۲۰ روز پس از ابلاغ دادنامه بدوی) نسبت به آن واخواهی یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام نشده باشد یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام آن رد شده باشد.

همچنین رأیی که مرجع تجدیدنظر آن را تأیید یا پس از نقض رأی دادگاه بدوی صادر کرده یا رأیی که به تأیید مرجع فرجام رسیده باشد.

از طرفی دیگر در پرونده‌های کیفری یکی از مهم‌ترین دستورات قضات دادسرا، اخذ سوابق کیفری متهمان است. این دستور قضایی از این جهت اهمیت دارد که اولاً؛ در پرونده شخصیتی متهم درج می‌شود و شناخت قاضی را از متهم آسان می‌کند. ثانیاً؛ ممکن است این سوابق در کشف جرم و صدور قرار تأمین کیفری و در نهایت نوع و شدت مجازات تأثیر بگذارد. زیرا حسب بند ۳ ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲، چنانچه متهم حداقل یک فقره سابقه محکومیت قطعی (به توصیفی که اشاره شد) به علت ارتکاب هر یک از جرایم سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء، خیانت در امانت و جعل و استفاده از سند مجعول را داشته باشد، صدور قرار بازداشت موقت الزامی است.

با این وصف ضمن اینکه سایر محکومیت‌ها مانند جریمه و شلاق تاثیری در حقوق افراد ندارد، موجب جلوگیری از اعمال سلیق شخصی و برخوردهای غیرمنطقی با برخی مجرمین و مرتکبین جرایم غیرعمد، خواهد شد. زیرا قانونگذار با تمام مجرمان رفتار یکسانی نکرده، بلکه به تناسب جرم ارتكابی برخورد کرده است.

با این توضیح آشکار می‌شود سوابق افرادی که مرتکب جرایم غیرعمدی شده‌اند، آن‌ها را از حقوقی که تمامی افراد جامعه از آن بهره‌مند هستند محروم نمی‌کند. در واقع جرایم درجه یک تا پنج در این ماده به دنبال خود مجازات‌های تبعی را می‌آورند و این همان محکومیت قطعی کیفری مؤثر است.

سابقه کیفری موثر، محکومیتی کیفری است که به طور خودکار و بدون نیاز به درج در حکم دادگاه شخص را از حقوق اجتماعی برای مدتی محروم می‌کند. به این ترتیب شخص در طول این مدت دارای سوء پیشینه تلقی شده و پس از انقضای این مدت، سوء پیشینه وی قانوناً رفع اثر می‌گردد.

در این ارتباط قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، مجازات‌ها را درجه بندی کرده و اعمال مجازات‌های تبعی بر

خلاف مجازات تکمیلی الزامی است و خود به خود اعمال می شود؛ بنابراین مجرم با ارتکاب جرم تبعات آن را نیز می پذیرد.

تعریف حقوق اجتماعی:

حقوق اجتماعی عبارت است از؛ حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و دیگر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور کرده که به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح قابل سلب است.

حقوق اجتماعی شامل؛ حق انتخاب شدن در مجلس شورای اسلامی، خبرنگان و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن به ریاست جمهوری، عضویت در انجمن ها، شوراها و جمعیت هایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می شوند، عضویت در هیأت های منصفه و امانا، اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه نگاری، استخدام در وزارتخانه ها، سازمان های دولتی، شرکت ها، مؤسسه های وابسته به دولت، شهرداری ها، مؤسسه های مأمور به خدمات عمومی، اداره های مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و نهادهای انقلابی، وکالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفترباری، انتخاب شدن به عنوان داوری و کارشناسی در مراجع رسمی، استفاده از نشان و مدال های دولتی و عناوین افتخاری است.